ادامه از صفحه ۵

پاراداوکس رونق تولید و سندرم بیگانه‌پرستی

اما یک ایرانیِ موفق کشور چگونه از اوج به این نقطه رسید و چرا افق دید بلند و روشن مدیرانش با کدشت کمتر از سه دهه، از مقایسه در و معرض رقابت قراردادن همه‌جانبه خود با یکی از برترین خطوط هوایی منطقه یعنی هواپیمایی امارات به این حد تنزل پیدا کرد که از رقابتی در حد یک پاسخ‌گویی شایسته به مخاطب، آن‌هم در اغلبی بسیار کوچک‌تر عاجزند.

در همین راستا نظر احمدرضا فتوّت، دکترای روان‌شناسی صنعتی سازمانی و عضو انجمن روان‌شناسی هواوردی آمریکا را درباره علت اصلی عدم توجه ایرانی‌های کشور به نظرات و مطالبات مخاطبان جویا شدم. او با اشاره به انحصاری‌بودن فضای کنونی تجارت در صنعت هواوردی کشور گفت: «وقتی رقابتی وجود نداشته باشد، نتیجه مستقیم این است که رفاقتی هم با مشتری و مخاطب انجام نخواهد پذیرفت؛ چراکه نگرش پرسنل و خصوصا کارکنان روابط عمومی چنین شرکت‌های کمرقیب و بعضا بی‌رقیبی از سر شکم‌سیری توأم با بی‌توجهی مفرط است. باید به امید روزی باشیم که بستر ایجاد شرکت‌های رقیب واقعی در صنعت هواوردی تجاری ایران فراهم شود. تنها در این صورت است که مشتری‌مداری واقعی و مدیریت صنعت بانک و بیمه کشور را شاهد شفافیت و دانش‌محور شدن خواهیم بود.»

دکتر فتوّت درباره تأمین البسه و نیازهای غیرضروری شرکت هواپیمایی مذکور از کشورهای ترکیه و ایتالیا گفت: «این اقدام در نگاه اول بیانگر بی‌توجهی مدیریت کلان یک ایرانی به مسئولیت‌های اجتماعی- شرکتی است؛ چراکه در واقع با این اقدام، درآمد کسب‌شده از جیب مردم ایران را سرازیر حساب‌های بانکی کارخانجات کشورهای دیگر می‌کند. در این شرایط رکود اقتصادی شدید، حداقل انتظار از شرکت‌های هواپیمایی و حتی سایر شرکت‌های خصوصی و دولتی که عمده منبع کسب درآمدشان داخلی بوده این است که خود را وامدار مردم دانسته و عوائدشان را هرچند اندک در داخل کشور هزینه کرده و گردش مالی داخلی ایجاد کنند تا از این راه، قدم به قدم موجبات رونق اقتصادی کشور فراهم شود».

بارها گفته شده روابط عمومی تنها یکی از چندین ابزار برندسازی است و باید به‌صورت کامل و دربست در اختیار حوزه اصلی و محوری برندینگ قرار گیرد؛ اما دیر زمانی است که صنعت هواوردی کشور به‌دلیل انحصار و نبود فضای رقابتی واقعی، برنگمی علوم تجاری روز دنیا عمل کرده و کار مهم برندینگ را به روابط عمومی‌ها سپرده است. وقتی قرار است روابط عمومی برند بسازد، شعار تبلیغاتی یک شرکت هواپیمایی معتبر کشور می‌شود روح متعالی یا The Spirit of Excellence که علاوه بر عدم تجانس معنایی با حوزه کاری صنعت هواوردی، کسی اسلوگان تعداد کثیری از مدارس کاتولیک دنیا، آن هم در مقطع ابتدایی است. امری کاملا بدیهی و مسلم است که واحدی که در انجام وظایف ذاتی و سازمانی خود یعنی ایجاد ارتباط دوسویه با مخاطب وامانده و چنین غیرحرفه‌ای عمل می‌کند، در حوزه برندینگ هم قادر به انجام یک کپی‌برداری درست نخواهد بود تا چه رسد به ارائه راهکارهای نوآورانه دانش‌محور تجاری برای حفظ و توسعه برند.

از سوی دیگر در حالی سال گذشته و نیز امسال شرکت‌های هواپیمایی را بجز از احتمال لغو پروازها و یا افزایش قیمت بلیت به‌دلیل عدم تخصیص ارز خبر می‌دادند و شرکت‌هایی که در کلاه می‌کردند که فهرست بانک مرکزی (بازه زمانی فروردین ۹۷ تا ۱۱ اردیبهشت۹۸) نشان می‌دهد ایرانی‌های داخلی دارای ماهانه شرکت‌های هواپیمایی کیش‌ایر، ماهان، ساهاد، زاگرس، قشم- سیمرغ، آتا، جمهوری اسلامی ایران (هما) و... در سال ۹۷ بارها و بارها از دولتی دریافت کرده‌اند. همچنین با به اظهارات دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی، یک میلیارد دلار نیاز سالانه ارزی ایرانی‌های کشور است که عمدتا از سامانه نیما (نظام یکپارچه معاملات ارزی بانک مرکزی) تامین می‌شود. سؤال این است عنگامی که از همه تولیدکنندگان خرد و کلان کشور بیش از صادرات محصول و برای بازگشت ارز صادراتی به چرخه اقتصاد در فلات سیستم ارز نیمایی تعهد ارزی اخذ می‌شود، چرا تاکنون از گروه بهروران یک میلیاردی این امکانات ارزی مرغوب، هیچ‌گونه ضمانتی برای بازگشت درآمد ارزی حاصل از فروش بلیت در خارج از کشور گرفته نشده است؟ و سؤال مهم‌تر اینکه آیا دولتی برای تأمین نیازهای اصلی نظیر تجهیزات ضروری، لوازم یدکی، ملزومات ناوگان و پرداخت هزینه‌های فرودگاهی و... اختصاص داده شده است یا واردات لباس هم برای پرسنل؟

ساساس آمار یاتا (انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی) هزینه سوخت موتور جت‌ها حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد از هزینه‌های عملیاتی شرکت‌های هواپیمایی را به خود اختصاص می‌دهد. در ایران بنا به اعلام دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی، روزانه چهار میلیون لیتر سوخت هواپیما در بخش مسافری مصرف می‌شود و چندین سال است که شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران سوخت جت مصرفی ایرلاین‌های کشور را با بهای نامه لیتری ۶۰۰ تومان (کمتر از یک‌دهم قیمت فوب خلیج فارس) و موعد پرداخت روز قیامت تامین می‌کند. این در حالی است که بهای سوخت هواپیماهای خارجی با هلیکوپتر ۱۰ برابر نرخ سوخت هواپیمای مسافری و تقریبا به قیمت فوب خلیج فارس محاسبه می‌شود. همچنین بنا به گفته سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری تنها دو با ۲.۵ درصد مردم ایران از سیستم حمل‌ونقل هوایی استفاده می‌کنند. طبعا باید به اطلاعات فوق تخمین مقدار یارانه ارزی (۲۰ درصدی) پرداختی از جیب مردم به ایرلاین‌ها برای ارائه خدمات به ۲.۵ درصد از جمعیت کل کشور و بالطبع از دهک‌های بالا در کنار میزان تاثیر حذف آن بر بهای تمام‌شده خدمات شرکت‌های هواپیمایی و نرخ بلیت محاسبه پیچیده نیست. اختصاص این مقدار کلان یارانه به سفرهای هوایی عده‌ای معدود و در مقابل عدم تعلق آن به خدمات حمل‌ونقل بار هوایی که مستقیم بر کیفیت معیشت عامه مردم اثر می‌گذارد، نشان‌دهنده این مهم است که نظام عدفمندی یارانه‌ها جای نامربوطی را نشانه رفته است.

ذات صنایع هواوردی تجاری و ایرلاین‌داری در جهان به سبب نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه بسیار بالا، تجاری بسیار انحصارطبانه است که دولت‌ها و تولیدکنندگان با وضع و به‌روزرسانی قوانین ضد تراست و پایش مستمر این صنعت، سعی بر جلوگیری از تشکیل کارتل‌های هوایی دارند، اما در ایران کشور ما، دولت محترم قصد و همتی بر ساماندهی اوضاع آشفته صنعت هواوردی تجاری کشور نداشته و ندارد. در این میان نمایندگان دلسوز کشور هم اگر کنترل و نظارتی بر ارائه‌های این صنعت نکرده و در راستای حذف سوبسیدهای پیدا و پنهان آن اقدام نکنند، به‌زودی شاهد پدیده‌آمدن کارتلی به‌مراتب بزرگ‌تر و قوی‌تر از صنعت خودروسازی کشور خواهیم بود.

دادستان دیوان در گفت‌وگو با «شرق» از درهای بسته شهرداری‌ها و بانک‌ها به روی شفافیت می‌گوید

ورود دیوان محاسبات ممنوع

عکس: محمدعلی بوزارجمهری (شبیه‌ساز)

مرضیه امیری: پرداختی و دریافتی‌های میلیاردی، فیش‌های نجومی، طرح‌ها و پروژه‌های صوری برای برداشت اسکناس، بازگشت دوباره دست‌های بازنشسته و بازخریدشدگان رانتی به خزانه و هزاران هزار موضوع دیگر که اگرچه هدررفت بیت‌المال است و ناعادلانه اما تخلف و مغایر قانون به حساب نمی‌آید. بعد از اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری که از پس چنجال‌های فیش‌های نجومی بیمه مرکزی و صندوق توسعه ملی درآمد و بـه ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان و تعیین کف و سقف حقوق مدیران دولتی رسید، بسیاری از منتظران اصلاحات را خشنود کرد که این‌بار قانون می‌تواند جلوی فساد را بگیرد. اما بعد از گذشت بیش از دو سال از این بحث‌ها و اصلاح قانون، شاید بتوان با صراحت و سخت‌گیرانه گفت هیچ‌چیز تغییر نکرد. همچنان که رئیس دیوان محاسبات در پاسخ به این سؤال که آیا هنوز پرداختی نجومی داریم، به یک پاسخ یک‌کلمه‌ای «بله» اکتفا می‌کند و شرکت‌های دولتی را حیاط‌خلوت بازنشستگان می‌خواند. برای توضیح جزئیات بیشتر درباره پاسخ‌های کوتاه رئیس دیوان محاسبات به سراغ دادستان دیوان رفتیم. فیاض شجاعی در گفت‌وگو با «شرق» از دیوار محکمی حرف می‌زند که خود قانون مدیریت خدمات کشوری بر سر راه شفافیت و شناسایی عملکرد مالی شرکت‌های دولتی کشیده است. به گفته او قانون مدیریت خدمات کشوری بیشتر از آنکه مانع و کنترل‌گر باشد، استثنا دارد؛ هر فرد یا شرکتی که منافعش درگیر بوده، توانسته خود را از قانون مستثنا کند. یک قانون و هزاران تفسیر و برداشت به قیمت برداشت‌های غیرضرور و نجومی از خزانه که حتی نمی‌توان نام آنها را غیرقانونی و تخلف گذاشت. دادستان دیوان محاسبات خود معترف است که دیوان به اطلاعات جامع دوم و سوم که سهام دولت در آنها زیر ۵۰ درصد است، دسترسی ندارد. طبق قانون شرکت‌هایی که موسوم به نسل دوم و سوم هستند، سهام دولت در آنها زیر ۵۰درصد است، از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند اما قرار نیست پاسخی دهند که این بودجه را کجا و چگونه خرج می‌کنند. دادستان دیوان محاسبات از این شرکت‌ها به‌عنوان «کرفتاری» یاد می‌کند که هیچ تنها ناظر و بازرسی را صالح بر بررسی عملکرد خود نمی‌داند. قانون به آنها اجازه کتمان و برداشت بی‌رویه از خزانه داده. اما آیا افکار عمومی پرداختی‌ها و دریافتی‌های شرکت‌های دولتی، به‌کارگیری بازنشستگان و بازخریدشدگان در شرکت‌های دولتی و ارتزاق چندباره آنها از بیت‌المال را قبل از اصلاح قانون مدیریت خدمات کشور ناعادلانه و اکنون بعد از اجرای اصلاحیه آن عادلانه می‌دانند؟

■ دایره شمول دیوان محاسبات درباره بررسی عملکرد مالی شرکت‌های دولتی تا کدام دسته از شرکت‌های دولتی را شامل می‌شود؟ آیا آمار و اطلاعاتی به دست آورده‌اید که چند نفر بازنشسته در شرکت‌های دولتی مشغول به فعالیت شده‌اند؟

پاسخ به این سؤال یک توضیح دارد. قانونی در یک مقطع زمانی وضع شد که اشاره داشت به‌کارگیری تمامی بازنشستگان و بازخریدشدگان در موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۸۶ و همه دستگاه‌هایی که به نحوی از لحاظ بودجه عمومی کل کشور استفاده می‌کنند، ممنوع است. دستگاه‌های اجرایی اصلاحیه موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری شامل تمامی وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و تمامی دستگاه‌هایی که ذکر یا تصریح نام آنها لازم است، ماند شرکت ملی نفت ایران. براساس مستقر برای این شرکت دولتی اعلام شد، به تبع آن شرکت دخانیات که تا چند وقت قبل به جهت ابهام دولتی تلقی نمی‌شد، اکنون شرکتی دولت تلقی می‌شود. ما اکنون باید وارد دخانیات شویم تا کشف کنیم چند نفر از مدیران و اعضای هیئت‌مدیره آن از مصادیق بازنشستگان و بازخریدان هستند. زمانی که یک‌سری شرکت‌ها هستند که به علت عدم تلقی شرکت دولتی، با اینکه دولت آن در سهامدار است، ولی به دلیل خلا قانونی در قبول مازیری ما نمی‌کنجند.

■ آقا برآوردهای دارایی سقف دریافتی مدیران و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی به‌طور عام و دریافتی بازنشستگان را در شرکت‌ها دارید؟

کار ما که تخمینی نیست. ملاحظه‌ای هم در اعلام آن نداریم. از آنجا که ما یک مرجع رسیدگی رسمی هستیم و سوگرامان با اعداد و ارقام است، معمولا از طرح تخمینی یک مسئله خودداری می‌کنیم. ما به شرکت‌های دولتی که در تعریف قانون شرکت دولتی نامیده می‌شوند، رسیدگی نسبتا جامعی داریم؛ یعنی تمام فعالیت‌ها و عملیات مالی را در همین بخش.

■ آقای فیاض‌شجاعی من به بخش دوم سؤال اولم بازمی‌گردم؛ چه تعدادی بازنشسته درحال‌حاضر خلاف ممنوعیت قانونی، در شرکت‌های دولتی مشغول به فعالیت هستند؟ آیا استثنائاتی مانند سهمیه خاص امکان‌های دوردزن قانونی را فراهم کرده است؟

ما الان به‌صورت روتین استثنات نیست. اتفاقا این بخش که جزء امور قانونی است که اتفاق می‌افتد.

■ یک به‌جز استثنائات، بازنشستگان دیگری نیز در شرکت‌های دولتی مشغول به فعالیت هستند؟

یک و حتی صفر هم نیستند. برای مثال برخی هم‌کنم؛ شرکت دخانیات، شرکتی است که بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به صندوق بازنشستگی فولاد است. ماهیت صندوق بازنشستگی فولاد، خود تا چند هفته پیش در هالـه‌ای از ابهام بود که این صندوق دولتی است یـا غیردولتی. خوشبختانه اخیرا دیوان عدالت اداری به موجب رای عمومی دیوان، صندوق بازنشستگی فولاد را یک مؤسسه و صندوق دولتی تلقی کرده است. زمانی‌که صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی می‌شوند. بنابراین چنانچه کسـی بازنشسته یا بازخرید شده باشد یا بشود و بخواهد در این دسـتگاه‌ها مجددا مشغول به کار شود، مشمول ممنوعیت این ماده‌واحده می‌شـد. علاوه‌بـرآن عطف‌الاطلاق، اشـتغال در هر دستگاهی که به‌نحوی از انحا از بودجه عمومی کل کشور اسـتفاده می‌کند نیز ممنوع اعلام شده بود. نکته مهم تبصره یک ماده‌واحده مصوب سـال ۹۵ این بود که مسـتثنیات اجرای این قانون را احصا کرده بود. در تبصره یک این ماده عنوان شـده بود مقامات مذکـور در ماده ۷۱ قانـون مدیریت خدمات کشـوری و هم‌ترازان آنها، ایثارگران، فرزندان شـهدا و جانبازان ۷۰ درصد و بالاتر، نیروهای مسـلح، وزارت اطلاعات و دارندگان اجـازات خاصه از مقـام معظم رهبری از شـمول ایـن قانون مستثنا بودند.

مقامات مذکور مستثنـاشـده در این تبصره. همان سـمت‌هایی بودند که بنا بر ماده ۷۱ قانون خدمات کشوری، مدیریت‌های سیاسی محسـوب شـده و دارندگان آن سـمت‌ها به‌عنوان مقامات مهم کشـور از این امتیاز بهره‌مند بودند تا از اجرای قانون مستثنا شوند. این سمت‌ها شامل رؤسای سـه قوه، معاونان اول رئیس‌جمهور، نواب رئیس مجلس شورای اسـلامی و اعضای شورای نگهبان، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونان رئیس‌جمهور، استانداران، سفرا، معاونان و وزرا می‌شد؛ بنابراین بحث ممنوعیت به‌کارگیری فقط در دسـتگاه‌های دولتی نبود و در دسـتگاه‌هایی که موضـوع ماده‌واحده ۵ قانون بودند اعـم از دولتی و غیردولتی و حتی نهادهای عمومی غیردولتی را هم شامل می‌شود. همچنین می‌گویـد هرگونـه دسـتگاهی که به نحـوی از بودجـه دولت برخوردار اسـت؛ این نحوی از انحا، دامنه گسترده‌ای دارد و حتی دسـتگاه‌ها و شرکت‌هایی که به شـکل کمک از بودجه کل کشور ارتزاق می‌کنند نیز در دامنه ایـن ماده قرار می‌گیرند. منتها دیوان محاسـبات به موجب مـاده ۲ ذیل قانون دیـوان، یک صلاحیت خاص دارد که به همه دسـتگاه‌ها اعم از وزارتخانه‌ها و نهادهایی که از بودجه اسـتفاده می‌کنند، رسیدگی می‌کنند و هر واحدی که طبق اصول ۴۲ و ۴۵ قانون اساسـی مالکیت عموم بر آن مترتب است، مشمول رسیدگی اسـت. بنابراین صلاحیت ورود دیوان به حسابرسی شرکت‌ها و موسـساتی اسـت که دامنه آن ذیل تبصره ماده ۲ آمده اسـت. بحثی هم بود تحت قانـون منع به‌کارگیری بازخریدان و بازنشسـتگان در این دسـتگاه‌ها که مقوله‌ای جدا از صلاحیت بررسـی این ماده اسـت که به دیوان اجازه داده شد در این مسـئله هم ورود پیدا کند. ما از آن زمان به تمام دسـتگاه‌های مشمول رسیدگی خودمان وارد شـدیم و حتی جلسات متعددی با سـایر دسـتگاه‌های مرتبط برای هماهنگی با دیوان محاسبات انجام شـد. در این خصوص، با سـازمان بازرسی، سـازمان امور اداری و اسـتخدامی، دیوان عدالـت اداری و چند نماینده طراح جلسـاتی تشـکیل دادیم تا ابهامات قانون را احصا کنیم. تا زمانی که مجلس این ابهامات را برطرف نکند، باید بر اسـاس صلاح‌دید خودمان برداشـت کنیم. چیزی که اخیرا بحث شد و رئیس دیوان گفتند، این بود که شـرکت‌های دولتی از نوع دوم و سـوم، تبدیل به حیاط‌خلوت بازنشسـتگان شده اسـت. منظور ایشان را تا جایی که من مطلع هسـتم، می‌توان این‌طور توضیح داد؛ ما یک‌سـری شـرکت دولتی داریم که ۵۰ درصد سـهام آن به‌ظاهر متعلق به دولت اسـت که به این شـرکت‌ها، شـرکت‌های نسل اول می‌گوییم. بعضی از این شـرکت‌ها می‌گویند نوع دوم تأسیس می‌کنند. ما این شـرکت‌ها را هم شـرکت دولتی تلقی می‌کنیم. گرفتاری ما این نوع شـرکت‌ها هستند. برخی شـرکت‌های دولتی نوع اول یا شـرکت‌های نوع دوم، در شرکت‌های دیگر سهام‌دار هستند؛ منتها میزان سهام آنها زیر ۵۰ درصد اسـت؛ بنابراین با تعریف قانونی، شـرکت دولتی محسـوب نمی‌شوند. اما سـاماندار آنها دولت اسـتی. اینها از نظر رسـیدگی و حسـاب‌های مالی، مشمول رسـیدگی دیوان محاسبات نیسـتند. فعالیت و عملکرد مالی آنها در دسـتگاه‌های دولتی بررسـی می‌شود؛ یعنی مستقیم در این شـرکت‌ها حسابرس مستقر برای رسیدگی به عملکرد مالی نداریم.

■ آقـای فیاض‌شجاعی من بـه بخش دوم سـؤال اولم بازمی‌گـردم؛ چه تعـدادی بازنشسـته درحال‌حاضر خلاف ممنوعیت قانونی، در شـرکت‌های دولتی مشغول به فعالیت هسـتند؟ آیا استثنائاتی مانند سـهمیه خاص امکان‌های دوردزن قانونی را فراهم کرده است؟

ما الان به‌صورت روتین استثنات نیست. اتفاقا این بخش که جزء امور قانونی است که اتفاق می‌افتد.

■ یک به‌جز اسـتثنائات، بازنشسـتگان دیگـری نیز در شرکت‌های دولتی مشغول به فعالیت هسـتند؟

یک و حتی صفر هم نیستند. برای مثال برخی هم‌کنم؛ شرکت دخانیات، شرکتی اسـت که بیش از ۵۰ درصد سـهام آن متعلق به صندوق بازنشسـتگی فولاد اسـت. ماهیت صندوق بازنشسـتگی فولاد، خود تـا چند هفته پیش در هالـه‌ای از ابهام بود که این صندوق دولتی اسـت یـا غیردولتی. خوشـبختانه اخیرا دیوان عدالت اداری به موجب رای عمومی دیوان، صندوق بازنشسـتگی فولاد را یک مؤسسه و صندوق دولتی تلقی کرده اسـت. زمانی‌که ایـن شـرکت دولتی اعلام شـد، به تبع آن شـرکت دخانیات که تا چند وقـت قبل به جهت ابهام دولتی تلقی نمی‌شـد، اکنون شـرکتی دولت تلقی می‌شود. ما اکنون باید وارد دخانیات شـویم تا کشـف کنیـم چنـد نفر از مدیران و اعضـای هیئت‌مدیره آن از مصادیق بازنشسـتگان و بازخریدان هسـتند. زمانی که یک‌سری شـرکت‌ها هسـتند که به علت عدم تلقی شـرکت دولتی، با اینکه دولت آن در سـهامدار اسـت، ولی به دلیل خلا قانونی در قبول مازیری ما نمی‌کنجند.

■ آقا برآوردهای دارایی سـقف دریافتی مدیران و اعضای هیئت‌مدیـره شـرکت‌های دولتـی به‌طور عـام و دریافتی بازنشستگان را در شرکت‌ها دارید؟

کار ما که تخمینی نیست. ملاحظه‌ای هم در اعلام آن نداریم. از آنجا که ما یک مرجع رسـیدگی رسـمی هسـتیم و سوگرامان با اعداد و ارقام اسـت، معمـولا از طرح تخمینی یک مسـئله خودداری می‌کنیم. ما به شرکت‌های دولتی که در تعریف قانون شـرکت دولتی نامیده می‌شوند، رسیدگی نسـبتا جامعی داریم؛ یعنی تمام فعالیت‌ها و عملیات مالی را در همین بخش.

■ آقـای فیاض‌شجاعی من بـه بخش دوم سـؤال اولم بازمی‌گـردم؛ چه تعـدادی بازنشسـته درحال‌حاضر خلاف ممنوعیت قانونی، در شـرکت‌های دولتی مشغول به فعالیت هسـتند؟ آیا استثنائاتی مانند سـهمیه خاص امکان‌های دوردزن قانونی را فراهم کرده است؟

ما الان به‌صورت روتین استثنات نیست. اتفاقا این بخش که جزء امور قانونی است که اتفاق می‌افتد.

■ یک به‌جز اسـتثنائات، بازنشسـتگان دیگـری نیز در شرکت‌های دولتی مشغول به فعالیت هسـتند؟

یک و حتی صفر هم نیستند. برای مثال برخی هم‌کنم؛ شرکت دخانیات، شرکتی اسـت که بیش از ۵۰ درصد سـهام آن متعلق به صندوق بازنشسـتگی فولاد اسـت. ماهیت صندوق بازنشسـتگی فولاد، خود تـا چند هفته پیش در هالـه‌ای از ابهام بود که این صندوق دولتی اسـت یـا غیردولتی. خوشـبختانه اخیرا دیوان عدالت اداری به موجب رای عمومی دیوان، صندوق بازنشسـتگی فولاد را یک مؤسسه و صندوق دولتی تلقی کرده اسـت. زمانی‌که ایـن شـرکت دولتی اعلام شـد، به تبع آن شـرکت دخانیات که تا چند وقـت قبل به جهت ابهام دولتی تلقی نمی‌شـد، اکنون شـرکتی دولت تلقی می‌شود. ما اکنون باید وارد دخانیات شـویم تا کشـف کنیـم چنـد نفر از مدیران و اعضـای هیئت‌مدیره آن از مصادیق بازنشسـتگان و بازخریدان هسـتند. زمانی که یک‌سری شـرکت‌ها هسـتند که به علت عدم تلقی شـرکت دولتی، با اینکه دولت آن در سـهامدار اسـت، ولی به دلیل خلا قانونی در قبول مازیری ما نمی‌کنجند.

■ آیا برآوردهای دارایی سـقف دریافتی مدیران و اعضای هیئت‌مدیـره شـرکت‌های دولتـی به‌طور عـام و دریافتی بازنشستگان را در شرکت‌ها دارید؟

کار ما که تخمینی نیست. ملاحظه‌ای هم در اعلام آن نداریم. از آنجا که ما یک مرجع رسـیدگی رسـمی هسـتیم و سوگرامان با اعداد و ارقام اسـت، معمـولا از طرح تخمینی یک مسـئله خودداری می‌کنیم. ما به شرکت‌های دولتی که در تعریف قانون شـرکت دولتی نامیده می‌شوند، رسیدگی نسـبتا جامعی داریم؛ یعنی تمام فعالیت‌ها و عملیات مالی را در همین بخش.

■ چند وقت پیش سؤالی از آقای عادل آذر پرسیده شد مبنی بر اینکه آیا در شرکت‌های دولتی دریافتی‌های نجومی داریم؟ و ایشـان یک پاسـخ صریح «بله» دادند؛ اما به همین اکتفا کردند و توضیحی از جزئیات ندادند. اجازه دهید این سـؤال را یک بار دیگر ما از شـما بپرسـیم. آیا حقوق‌های نجومی در شرکت‌های دولتی برداشت می‌شود؟

ما این سـؤال را بایـد این‌طور پاسـخ دهیم. ما یک‌سـری دستگاه‌ها اعم از شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های مشمول رسـیدگی دیوان محاسـبات کشـوری که اینهـا را زمانی که رسـیدگی می‌کنیم، رسیدگی جامع اسـت. از این به بعد که دریافتـی و پرداختی آنها منطبق قانون اسـت یا خیر. دوم اینکه آیا افرادی که در این دسـتگاه‌ها و شرکت‌ها به کار گرفته شدند، از مصادیق بازنشسـتگان و بازخریدشده‌های مشمول قانون منع هسـتند یا خیر و سـایر مقرراتی که باید در آنها رعایت شود. ما در اینجـا مشـکلی نداریـم، نمی‌گویم در رسـیدگی‌هایمان به هیچ‌گونه پرداختی نجومی و غیرقانونی نمی‌رسیم اما به‌محض اینکه برخورد کنیـم به پرداخت و به‌کارگیری غیرقانونی، فورا گزارش می‌کنیم.

■ با توجه به اینکه مبنای دیوان محاسبات بر شفافیت است، آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این موارد را ذکر کنید؟

بله. ما اکنون دسـتگاه‌هایی داریم که مشـمول رسـیدگی ما هسـتند. دعوایی هم نداریم. آنها اختیار عمل ما را در رسـیدگی بی‌قیدوبند کـه به موجب قانون برای رسـیدگی به عملکرد مالی مورد صلاحیت دیوان محاسبات هسـتند، هیچ ابهامی هم وجود ندارد. ما‌نند بانک‌ها و بیمه‌های دولتی یا شـرکت‌ها و مؤسسـات دولتی. از قدیم‌الایام رسـیدگی می‌کردیم و اکنون هم رسـیدگی می‌کنیم. این‌طور هم نیسـت کـه موارد تخلف پیدا نشـود. خیر هر سـال پرونده‌های بسـیار زیادی از تخلفات مالی و غیرقانونی در این دسـتگاه‌ها و نهادها پیدا می‌شـود. شاهد آن بیش از هزار پرونده مالی علیه شرکت‌هاست که اکنون روی میز وقـت‌نایب یا در حال رسـیدگی اسـت یا تعیین‌تکلیف شـده اسـت. اضافه پرداختی‌ها و خلاف قانون‌ها رسـیدگی می‌شود. در اینجا ابهامی نداریم. ما مشـکلمان درباره بعضی از دسـتگاه‌های است که به اعتبار و اعتقاد خودشـان مشمول رسـیدگی ما نیسـتند. در این راه هم از اسـتنباط و تفاسیری بهره می‌برند که از ابهامات متن قانون نشـئت می‌گیرد. عمده مشـکل ما در جایی اتفاق می‌افتد که ورود و صلاحیت دیوان محاسـبات برای بررسی و بازرسی مبهم اسـت؛ برای مثال شـهرداری‌ها از قدیم‌الایام می‌گفتند ما در بحث منابع داخلی‌مان که عمده فعالیت شـهرداری‌ها در آن شکل می‌گیرد، تحت شـمول بررسـی دیوان محاسبات نیسـتیم. اول ما باید این موضـوع را حل کنیـم و بعد از آن ببینیم در شـهرداری‌ها چقدر پرداختی‌هـای خلاف قانـون، نجومی و بریزوبپـاش بدون هیچ عملکردی با حتی عملکرد غیرضرور وجود دارد. آیا بازنشستگان در شهرداری‌ها به به کار گرفته می‌شوند. اما آنچه واقعیت است این است که در شهرداری‌ها به بررسی و بازرسی‌های ما وابسته است.

■ تاکنون اطلاعاتی هم دراین‌باره به شما رسیده است؟

مـا با اینکـه کاملا به اصل اطلاع‌رسـانی معتقد هسـتیم و با ارائه گزارش‌های شـفاف و افشـاگرانه دیوان محاسـبات در دوره‌های مختلف با کمک رسانه‌ها از جمله «شرق»، توانسته‌ایم تا حدی در برابر فسـاد اداری بایستیم. اما معتقد هستیم برخی اطلاع‌رسـانی‌ها چالشـی جدی ایجاد می‌کند. ما نمی‌گوییم که پرداخت خـلاف قانون صورت نمی‌گیرد. اتفاقـا می‌گیرد و زیاد هم اسـت. می‌گوییم در شـرکت‌های دولتی تحت نظارت دیوان محـاسبات ظرفیت شناسـایی داریم و پرونده‌هایی را باز می‌کنیم. ما مشـکلمان با جاهایی اسـت کـه فی‌البداهه ما را صالح به رسـیدگی نمی‌دانند. مانند شـرکت‌هایی کـه کمتر از ۵۰ درصد سـهام آنها متعلق به دولت است یا شرکت‌هایی که عمدتا سـهام عدالت را مدیریت می‌کنند؛ مانـند بانک تجارت، بانـک صـادرات یا شـرکت‌هایی مانند شـرکت مس، شـرکت فولاد خوزستان، هرمزگان و فولاد مبارکه و شـرکت ذوب‌آهن. شـرکت‌هایی هسـتند که دولت کمتر از ۵۰ درصد در آنها سهام دارد، در آنها به روی ما بسـته اسـت و نمی‌دانیـم در آنجا چه می‌گذرد. بله قطعا اطلاعاتی جسـته و گریخته از فسـاد و تخلف در آنها به ما می‌رسـد؛ اما زمانی که نمی‌توانیم رسـیدگی کنیم و مشـمول رسـیدگی ما نیسـتند، اسناد مالی آنها در دسترس ما قرار نمی‌گیرد. چگونـه می‌توانیم برخورد کنیم. آن اطلاعاتی هم که به دسـت ما می‌رسـد، فقط در حد خبر باقی می‌ماند و نمی‌تواند به گزارش مدون و منسـجمی علیه فسـاد و تخلف منجر شود. محدودیتی برای ما مبتنی بر تفسـیر شـورای نگهبـان از اصل ۵۵ قانون اساسـی ایجاد شده که براسـاس آن مقرر شده دیوان محاسبات به بودجه رسـیدگی کند و دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند؛ اما درباره شرکت‌هایی که با تفسیر ادعا می‌کنند از بودجه عمومی اسـتفاده نمی‌کنند. مشمول رسـیدگی ما نیسـتند. مگر اینکه سـایر نهادهای رسـیدگی مانند سازمان بازرسی کل کشـور چون با این محدودیت مواجه نیسـتند، برود این نهادها، مؤسسـات و شـرکت‌ها را رصد کننـد و زمانی که با موارد تخلف مواجه می‌شـوند، مانند به‌کارگیری بازنشسـتگان و بازخریدکننده‌هـا، پرداختی‌هـا و دریافتی‌هـای غیرمتعـارف، غیرضـرور و غیرقانونی، به ما گزارش دهند و ما از طریق گزارش آنها که قابل اتکا هسـتند، بتوانیم ورود کنیم. بله به ما اطلاعاتی می‌رسد؛ مثلا فردی گزارش داد در فلان دستگاه بازنشسته به کار گرفته شـده و تجمع‌بگیر بوده. ما رسـیدگی می‌کنیم اما چون وارد تخلف صلاحیتی داریم و آنها را صالح نمی‌دانـد. این اطلاعات ما جامع و کامل نیسـت. اینکه ما قبلا اطلاعاتی داریم، بعضی‌ها می‌گویند ما با سـقف برخـورد کردیـم. اما در شـرکت‌هایی که به زعم ما از بودجه دولتی ارتزاق می‌کنند، به زعم قانون چون زیر ۵۰ درصد سـهام آنها متعلق به دولت است، دولتی نیستند. پرداخت و دریافتی نجومی داریم. بازنشسـتگان و بازخریدشدگان به کار گرفته‌شده به صورت موضوع و غیرقانونی هم داریم؛ به‌عنوان‌نمونه، شرکت دخانیات تا قبل از رای دیوان عدالت اداری از جمله شرکت‌هایی بود که مشـمول رسیدگی دیوان محاسـبات نبود، اما با تعریف جدید مشمول رسـیدگی ما شد. اکنون ما مامووران با بازرسانی را حفاظت از منابع اب در دهـ ۴۰، توجه اصلی قانون‌گذار بر حفاظت از منابع آب زیرزمینی و تلاش برای برقراری تعادل بین منابع تجدیدشونده و میزان برداشـت این بخش بوده اسـت. مهم‌ترین دلیـل تمرکز بر آب زیرزمینی را می‌توان در سـهولت حفر چاه و برداشت آب زیرزمینی و عوض نیاز به سـرمایه‌گذاری گسـترده دولتی برای برداشت از منابع آب سطحی، دانسـت. به نظر می‌رسد فرض بر این بوده که دولت با ملاحظات دقیق فنی می‌تواند طرح‌های توسعه منابع آب سطحی را که اجرایشان در انحصار خودش اسـت، به‌گونه‌ای اجرا کند که باعداری در این بخش برقرار بماند. اما با عدم توفیق در پایداری سفره‌های آب زیرزمینی و به تبع آن کاهش جریان آب‌های سـطحی و همچنین با رشد بی‌رویه سدسازی و سـایر طرح‌های دولتی توسـعه منابع آب سطحی در سال‌های برنامه اول و دوم توسـعه که افزایش مطالبه عمومی و مسئولان منطقه‌ای را هم برای احداث سـدهای جدید در سـایر مناطق به دنبال داشت، منابع آب سطحی کشور نیز مانند آب زیرزمینی با تهدیدات و چالش‌های جدی مواجه شدند.

در مواجهه با این وضعیت، از اواخر دهه ۷۰، مسئولان وزارت نیرو بر اساس تکلیف ماده ۲۱ قانون توزیع عادلانه آب که وظیفه تخصیص را بر عهده این وزارتخانه قـرار می‌داد، قاعده‌مندکردن نظام تخصیص را آغاز کردند. هدف از این نظام جدید، تعریف طرح‌ها و پروژه‌های جدید مبتنی بـر محدودیت‌ها و ملاحظات موجود در هر حوضه آبریز بوده اسـت. به همین منظور در دوره گذشته گروهی در دفتر برنامه‌ریزی کلان آب‌وابا تشکیل شده که بر اسا